



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

گامی



راستی  
علیه صابا  
الرمای

WWW.Ghaemiyeh.com  
WWW.Ghaemiyeh.org  
WWW.Ghaemiyeh.net  
WWW.Ghaemiyeh.ir

# مقالات

جامعه مهدوی

آرمان تنہر نبوی

حسین علی سعدی

موسسه تحقیقات و ایانہ ای قائمیہ اصغہان

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

# جامعه مهدوي (عج) آرمان شهر نبوي (ص)

نویسنده:

حسین علی سعدی

ناشر چاپی:

روزنامه جمهوری اسلامی

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

## فهرست

..... فهرست ..... ۵

..... جامعه مهدوی آرمان شهر نبوی ..... ۶

..... مشخصات مقاله ..... ۶

..... اشاره ..... ۶

..... یکم - بعثت (تحلیل جایگاه انبیا در زندگی انسان) ..... ۷

..... دوم - غدیر ..... ۱۴

..... سوم - ظهور ..... ۱۶

..... درباره مرکز ..... ۲۳

جامعه مهدوی آرمان شهر نبوی

مقالات ،

خانواده و اجتماع ،

خانواده و کودک

غدیر

نویسنده:

حسین علی سعدی

خیراندیش دیجیتال: جناب آقای سید علی بحرینی به نیابت از مرحومه حاجیه خانم کسایی\_گروه هم پیمانان موعود غدیر.

### اشاره

اندیشه ی ساختن مدینه ی فاضله که در آن، شهروندان، فضیلت محور و ارزش مدار، زندگی کنند، از دیرباز، ذهن های متفکران و دل سوزان بشر را به خود مشغول کرده است . هر کدام از این متفکران و . . . برای رسیدن به آن جامعه ی آرمانی، راه حل هایی را ارایه کرده اند .

این نوشتار، دیدگاه ممتاز شیعه را برای تحقق دادن به آرمان شهر موعود بیان کرده است . راهکارهای شیعه، موقف حیاتی «بعثت» ، «غدیر» ، «ظهور» است .

انسان، برای رسیدن به آن جامعه ی آرمانی به قانون الهی (وحي) و تفسیر معصومانه (غدیر) و مدیریت معصوم (ظهور) نیاز دارد .

اندیشه ی ساختن مدینه ی فاضله که در آن، شهروندان، فضیلت محور و ارزش مدار زندگی کنند و زمینه ی بسط و توسعه ی معنویت و صلح و صفا و پاکی را - که به رشد و تعالی انسانیت می انجامد - برای آنان آماده کند، از دیر باز، در ذهن همه ی متفکران و مصلحان و دل سوزان جامعه ی بشری، مطرح بوده و هر کدام، به فراخور افق فکری خویش، طرحی در انداخته و الگویی را پیشنهاد کرده است . این که «راه صلاح و بالندگی انسان چیست و کجا است؟» و «چه گونه انسان می تواند مدینه ای را که در آن، قابلیت ها و استعدادهای خویش را به فعلیت برساند و جامعه ای در خور زندگی انسان و عاری از هر گونه جدال و

بی عدالتی و مملو از خوبی و صلح و پاکی، بسازد؟»، سؤالاتی است که جواب ها و راه حل های متنوع و مختلفی در مکاتب فکری گوناگون گرفته است .

مکتب تشیع، با نگاهی ژرف و واقع بینانه به حقیقت انسان و نوع نیازها و استعدادهایش، برای به سامان رسیدن امور و پدید آمدن جامعه ی آرمانی موعود، طرح نویی در انداخته و راه ممتازی را ارائه داده است .

ما، در این نوشتار، دکترین حکومت مهدوی را - که مسیر تحقق و صراط مستقیم آن با گذر از سه موقف حیاتی - «بعثت»، «غدیر» و «ظهور» انسان را به بهشت موعود و تحقق آن مدینه ی فاضله هدایت و رهنمون می سازد - ارائه می کنیم و از نوع ارتباط و تعامل این سه مهم با هم و اضطرار بشر به آن ها در تشکیل آن جامعه ی موعود، تحلیلی ارائه می دهیم .

### **یکم - بعثت (تحلیل جایگاه انبیا در زندگی انسان)**

قبل از پرداختن به مسئله ی اضطرار بشر به انبیا و ضرورت استمداد فرشیان از عرش، باید رابطه ی انسان و نوع نیازش به پیامبر، تحلیل و تبیین شود تا در پرتو ضیای شناخت این رابطه، ضرورت یا عدم لزوم چنین مسئله ای روشن گردد .

پدیده ای در جهان بشری با نام «نبوت»، رخ داده و عده ای به نام «انبیا» پیامی را از آسمان برای زمینیان آورده اند .

آیا انسان، محتاج سخن و راهنمایی آنان بود یا بدون گوش دادن به آن پیام هم، هیچ خلل و کاستی در حیات اش رخ نمی داد و جهان بی پیامبران و انسانیت عاری و خالی از

ص: 2

پیش درآمد بحث مان، نگاهی گذرا و کوتاه به سخن متفکران دینی در باب «لزوم بعثت انبیا» خواهد بود تا از متاع آنان استمتاع نموده و با بهره‌وری از تجارب فکری شان، به غنای بحث بیفزاییم. گرچه این قلم، فعلا در پی کاوش و استقصای همه‌ی آرای مطروح در این عرصه نیست و سیر فراز و فرود و کسر و انکسار شان را در تاریخ به نظاره نمی‌نشیند، اما در پرده‌ی اجمال و اشارت، جان مایه‌ی سخن را چنین می‌توان عرضه کرد:

الف) بوعلی سینا، قافله‌دار عقل‌گرایان، در نوشته‌های مختلف خویش، لزوم بعثت انبیا را مطرح و مدلل ساخته و می‌گوید:

جامعه‌ی انسانی، برای بقا و تداوم، نیاز به قانون عادلانه دارد. عدالت، ضامن بقای اجتماع و پاسدار و نگهدار آن است (1) از طرفی، وضع قانون عادلانه، از سوی بشر، به دو جهت، امکان پذیر نیست: نخست آن که بشر، قادر به تشخیص «حقیقت» نیست؛ زیرا نمی‌تواند خود را از اغراض، تهی کند، و عدالت، فرع شناخت حقیقت است، لذا بشر، به خاطر عدم دست‌یابی به حقیقت، نمی‌تواند عدالت را به‌چنگ آورد.

ثانیاً، بر فرض که حقیقت، صید انسان شود، لکن قانون بشری، ضمانت اجرا ندارد و بشر، برای قانون عادلانه و بقای حیات اجتماعی خود، محتاج وحی و نبوت است که وحی، هم حقیقت را همان‌طور که هست، برای پیامبران مشخص می‌کند و هم با وعده و وعید خود، ضمانت اجرای آن را بر عهده می‌گیرد. (2)

ب)

ص: 3

---

1-1. در متون دینی نیز مشابه این نکته وجود دارد که اذا بنی الملک علی قواعد العدل - نصر الله موالیه و خذل معادیه (میزان الحکمة، ح 9، ص 189).

2-2. نبوت تطبیقی اسلامی - مسیحی (پایان نامه‌ی کارشناسی ارشد فلسفه و کلام دانشگاه قم) از نویسنده، ص 91.



متفکر و علامه‌ی فقید، مرحوم طباطبایی نیز در نوشته‌های خود، راز و رمز این ضرورت را در دو جا می‌جوید و لزوم پدیده‌ای به نام بعثت را دو گونه‌ی موجه و مستدل می‌سازد: نخست آن که می‌گوید: استخدامگری بشر، بهترین دلیل بر ضرورت نیاز انسان به پیامبران است. انسان، براساس طبیعت و فطرت خود، موجودی استخدامگر است و غریزه‌ی استخدامگری، موجب اختلاف در تمام شئون حیات می‌شود. از طرفی، اختلاف، جز در سایه‌ی قانون، حل و فصل نمی‌شود و از آن جا که بشر، خود، خاستگاه و منشأ اختلاف است، نمی‌تواند بر طرف‌کننده‌ی اختلاف باشد و برای رفع آن، قانون وضع کند، لذا عامل بر طرف‌کننده‌ی او را باید بیرون از دایره‌ی انسانی و فراتر از آن یافت، و پر واضح است که ارتباط آن عامل فرا انسانی با جهان انسانی، همان چیزی است که تحت عنوان وحی و نبوت یاد می‌شود، لذا بعثت لازم است. (1)

دیگر آن که ایشان، با طرح این نکته که انسان، موجودی دو بعدی است می‌گوید:

علاوه بر جسم و بعد مادی، بعد معنوی نیز دارد و روشن است همچنان که برای بعد جسمی و مادی، برنامه می‌خواهد، برای بعد معنوی و آن جهانی نیز برنامه می‌خواهد و این مهم، جز در سایه‌ی وحی و نبوت، میسر نمی‌گردد، لذا نبوت برای جهان بشری، امری ضروری و اجتناب‌ناپذیر است. (2)

در کنار این قبیل ادله، دو نوع دیگر نیز طرح شده است: یکی با توجه و نگاه کار

ص: 4

---

1-3. فراهایی از اسلام، ص 25؛ بررسی‌های اسلامی، علامه‌ی طباطبایی.

2-4. وحی یا شعور مرموز، علامه‌ی طباطبایی.

کردی به فعالیت انبیا، ضرورت وجود آنان را مستدل می سازد. تبیین گزاره هایی که عقل از بیان آن عاجز است و تامین آسایش روان و امنیت روحی که حوادث و مسائل مشکل آفرین و مصائب و شرور را برای انسان توجیه می کند. به عبارت دیگر، حل گره های کور زندگی انسانی که جز با سرانگشت وحی گشوده نمی شود، ضرورت آن را موجه می کند. (1)

این نگاهی کوتاه و اجمالی به بخشی از ادله ی متفکران در لزوم بعثت بود که می توان به نقد برخی از آن ها پرداخت.

جهت برطرف ساختن اختلافات و زدودن آن از چهره حیات انسانی (2) و طرح عدم توفیق انبیا در رسالت خطیر خویش، در جهان خارج - که نه تنها ریشه سوز اختلاف نبوده اند که زمینه ساز اختلاف عمیق دیگری بودند - و یا محدود کردن قلمرو فعالیت انبیا با طرح «خدا و آخرت، هدف بعثت انبیا»، مسائل و مصائبی است که بر تفکر سنتی و تلقی گذشتگان از تبیین جایگاه و پایگاه حجت در حیات انسان، وارد شده است.

حال، به سؤال اصلی بر می گردیم. آیا حجت و پیامبر، در حیات بشری، ضروری و ناگزیر است یا می توان برای آن جایگزینی یافت؟

تحلیل درست و منطقی این سؤال، نیازمند تحلیل دست کم دو نکته ی اساسی است: نخست، تعریف انسان و تحلیل و تعیین استعداد و خواسته هایش، و دوم، تبیین عملکرد و جایگاه رسالت رسولان الهی در عرصه ی حیات بشری.

انسان، از کجا، تعریف خود و تحدید اندازه ها و تبیین خواسته

ص: 5

---

1-5. نبوت تطبیقی اسلامی - مسیحی، ص 91.

2-6. اصول مسیحیت، ساروخاچیکی.

ها و تحلیل آرزوهایش را می‌گیرد؟ اگر بخواهیم با دین، انسان را تعریف، و حدود استعدادها و حوزه‌ی نیازهایش را مطرح کنیم و آن‌گاه در میان خواسته‌هایش، نیاز به دین را بگنجانیم، قطعاً، دوری پیش خواهد آمد که استحکام این راه را متزلزل می‌کند، لذا ناگزیریم، حداقل، مبانی و مبادی شناخت مان از انسان و برخی از نیازهایش را در بیرون حوزه‌ی دین مشخص کنیم و آن‌گاه به سراغ پیام حجت‌های الهی رفته و آن را به گوش بگیریم.

انسان، می‌تواند با نگاه و تأمل در خود، ضرورت نیازش را به پیامبران، عموماً، و حجت، بخصوص، بیابد. با نگاه به خود، استعدادهای عظیم و بی‌پایان‌اش را درک می‌کند و می‌یابد که وجود او، از زندگی محدود دنیایی، وسیع‌تر است. این، به شهادت وجدان روشن است. تاریخ نیز شاهد صدق این مدعا است. زیرا کسانی که به دین نیز گرایش نداشته‌اند، عظمت استعدادهای انسان را ستوده و به فزونی استعدادها از نیاز حیات مادی گواهی داده‌اند. (1)

انسان، به شهادت استعدادهایش و ظرفیت و سعه‌ی وجودی‌اش، محدود نیست و ادامه دارد، چنان‌که از دست و پا داشتن جنین و استعدادهای آن، می‌توان فهمید که محدود به دنیای رحم نیست و ادامه خواهد داشت، از خلقت و ظرفیت و استعداد سرشار انسان، می‌توان پی برد که ادامه دارد و محدود نیست، لذا با تأمل و تعمق در خود انسان و شناخت ظرفیت و سعه‌ی وجودی‌اش، ادامه‌ی حیات او و

ص: 6

---

1-7. الکسیس کارل، کتابی به نام انسان موجودی ناشناخته، در همین موضوع نگاشته است.

استمرار وجودش و مقصد حرکت اش (معاد) اثبات می شود. با تفکر و تأمل در خود، بدون استمداد از گزاره های دینی، می توان فراتر بودن استعدادهای انسان از حیات مادی را فهمید و فی الجمله، نیازها و خواسته هایش را تبیین کرد.

دین، از همین احساس نیاز اولیه، شروع می شود. در درون نهاد و فطرت همه، گرایش به منبع لایزالی که جواب سؤال ها و درخواست هایش را از او بگیرد، وجود دارد. دین نیز از همین احساس و شعور فطری و باطنی انسان ها، استفاده کرده است. قرآن مجید می فرماید:

«لقد خلقنا الانسان في احسن تقويم . . . فما يكذبك بعد بالدين» (1)

خلقت در «احسن تقویم»، یعنی، تأمل در وجود خود که به حکم وجدان، حسن و سرشاری استعدادها را درک می کند، بهترین گواه بر «یوم الدین» است که او را ناگزیر از حرکت می کند و جایی برای انکار آن باقی نمی گذارد.

حرکت و جریان انسان به سوی معاد، در قوس صعود، روی دیگر سکه ی حرکت اواز خدا و مبدا آفرینش در قوس نزول است. این دو، با هم متلازم اند، لذا شناخت انسان و درک عظمت او، با شناخت مبدا و معاد، ملازمه دارد و با نگاه به انسان و درک عظمت وجودی اش، معاد و مبدا، مسئله ای ناگزیر و غیر قابل انکار می شود.

آگاهی بر این نکته ی دقیق، از روش کتب آسمانی که برای اثبات مبدا هستی، استدلال نکرده اند (2) نیز میسر است. خدا، جواب سؤال ها و خواسته های ما است

ص: 7

1-8. تین: 4 و 7

2-9. در قرآن مجید، طبق عقیده ی مفسران، استدلال بر اثبات وجود خدا، یا ارائه نشده یا در یکی دو مورد بیش تر نیست و نیز کتاب مقدس، با این عبارت شروع شود که "خدا بود و کلمه، با خدا بود"؛ یعنی، وجود خدا را نخستین مبنای مسلم و غیر قابل بحث خود گرفته است.

و انسان، با فرض تفکر در خویش، ناگزیر است که خدا را بشناسد و نه تنها نیاز به برهان برای اثبات ندارد که حتی قابلیت انکار نیز وجود ندارد. عمیت عین لاتراک

با درک و فهم مبدا و معاد و پی بردن به عظمت استعدادها و قوه های انسانی و حرکت اش به سوی کمال و مقصد نهایی، نه تنها نیاز به راهنما، که اضطرار به او درک می شود. اگر راه و حرکت باشد، آن هم حرکتی بی نهایت، و از طرفی، نقص ها و کاستی هایی باشد، نقص در فهم و تصمیم و راه یابی و حتی کیفیت حرکت کردن، انسان، خود را مضطر به وجود راهنما و مربی می بیند و هیچ نیازی را مهم تر و حیاتی تر از آن نمی داند؛ زیرا، اگر راهنما نباشد، راه، گم می شود و گم شدن راه، مساوی با توقف یا حرکت بی جهت است، و هر دو، به معنای مرگ استعدادها و تباه کردن ظرفیت ها است.

در این نگاه، حرکت و حیات با امام، حیات طیبه، و زندگی بدون او و غافل از او، مرگ یا تحرک جاهلی است!

با این توجه، می توان رمزی از رموز تشبیه امام و ولایت به آب را فهمید. آب، سبب زندگی است و معرفت و اجابت دعوت رسول برای زنده ها، پیام زندگی دارد:

«یا ایها الذین آمنوا استجبوا لله وللرسول اذا دعاکم لما یحییکم.»

با این نگاه، نه تنها بشر، محتاج بعثت که مضطر به او است و هیچ گزینه ای نمی تواند خلا آن را پر کند،

نه عقل جمعی بشر، و نه تجربه های عرفانی و نه هیچ چیز دیگر .

عظمت استعدادها، به بی نهایت بودن مسیر حرکت شهادت می دهد، و انسان، در هر حال، در حرکت است و توقف او، مرگ است . انسان، در هر حال، هویت خود را متجدد و مختلف می بیند و این اختلاف، اختلاف در عوارض نیست، بلکه ناشی از اختلاف اطوار و درجات و مواقف است که حرکت دائمی او را تا لحظه ی مرگ، به اثبات می رساند . (1)

هر چه انسان اوج بگیرد و مسیر را بیش تر بینماید، این اضطراب را بیش تر لمس می کند، لذا در هیچ انسانی و در هیچ لحظه ای از حرکت، نمی توان از حجت، بی نیاز بود .

بی پیر، مرو تو در خرابات هر چند سکندر زمانی

طرح استغنا ی ممدوح و مذموم و تشبیه رابطه ی انبیا و مردم به رابطه ی طبیب و مریض و معلم و شاگرد که سعی در اغنای مخاطب از خود دارند، (2) نشان از تحلیل ناصواب انسان و ظرفیت و حرکت او است . اضطراب انسان ها به بعثت، نتیجه ای است که این مقدمات، در اثبات آن گذشت .

## دوم - غدیر

نیاز و اضطراب به بعثت، قانون و راهنمای الهی، در نگاه غیر شیعی، با ختم نبوت اشباع شد و بلوغ تفکر بشری و سیری طبع اش؛ احساس کاذب استغنا ی وحی را در دماغ اش پروراند، و تصور کرد که مستغنی از پیامبر و حجت - با هر تحلیلی که صورت بگیرد - می توان از سفره ی وحیانی آنان سود جست . از دید برخی، گرچه

ص: 9

---

1-10. ملاصدرا، ضمن فهم این دقیقه، نکات لطیفی از کریمه ی «یا ایها الانسان انک کادح الی ربک کدحا فملاقیه» استفاده کرده است

. خوانندگان محترم را به الشواهد الربوبیه، اشراق نهم از شاهد دوم، تحت عنوان «حکمت عرشیه» ارجاع می دهیم .

2-11. عبدالکریم سروش، کیان، ش 29، ص 14 .

بشر، در رفع مخاصمات یا یافتن راه کمال خود، نیاز به وحی و حجت آسمانی داشت و این قانون و برنامه، با تلقی و "ابلاغ معصوم" برای نجات بشر از حیات هبوط زده، بر آنان عرضه شده است، ولی با ابلاغ قانون کامل - که کمال خود را در فرایندی تاریخی در گذر زمان و پیدایش زمینه ها، کسب کرده - می تواند با فهم و تفسیر خویش از این مائده ی آسمانی، تعیش کند. پلورالیزم و نسبیت فهم و حجیت همه ی آن ها، استغنا ی از حجت را در دوره ی ختمیه مطرح می کند. "حسبنا کتاب الله" شعار کفایت و استغنا ی بشر از حجت الهی و معصوم است. ادعای توان بهره وری عقول ناقص فرشیان با اتکای به "قیاس و استحسان" بدون اتکا و بهره وری و استمداد از فهمی آسمانی و معصومانه از سفره ی وحیانی انبیا است.

غدیر، اضطرار بشریت به تفسیر انسان رهیده از هوس و کشش و طمع و تهدید است. عصمت، یعنی آگاهی و آزادی، آگاهی به مسیر و آزادی از همه بندها و رقیت ها و کاستی ها.

غدیر، رد حجیت فهم ها و تکثر آن ورد استغنا ی بشر از فهم حجت معصوم و توان بهره وری مستقل از کتاب الهی است، در برابر شعار «حسبنا کتاب الله» است که هم دوش و هم زیستی قرآن با عترت، قانون الهی با فهم معصوم، را بیان می کند.

رحلت و کوچ پیامبر و ختم سلسله ی نبوت، در گرو قرار گرفتن قانون (کتاب) در کنار عترت (فهم معصوم) است و

ضلالت و گم کردن راه، در تفکیک آن دو، و طرح استغنائی از حجت در حوزه ی فهم دین است .

به گوش نداشتن پیام غدیر در تاریخ، گواه است که تلاش همه ی رسولان هدایت که تبلور آن، در قرآن محمد صلی الله علیه و آله بود، اگر در کنار فهم معصوم قرار نگیرد، نه تنها راه را نشان نمی دهد که ممکن است به بیراهه برساند؛ چرا که قرآن محمد صلی الله علیه و آله کتاب صامت هدایت، «حمال ذو وجوه» و قابل تاویل های ناصواب و کج راهه های بسیار است . قرآن، آن گاه راهنمای انسان به سوی کمال است که «کتاب ناطق» و «فهم معصوم» در کنارش و مفسر و مبین اش باشد .

به شهادت قرآن و غدیر، حجت الهی و فهم معصوم، ضرورت زندگی بشر برای راهپیمایی در مسیر هدایت و سعادت است . انسان، در حرکت مستمر خویش، همچنان که محتاج برنامه و قانون فرا طبیعی است، محتاج فهم برتر معصوم که ملاک و میزان صحت و سقم بقیه ی فهم ها، است تا سردرگم و گرفتار تشنت نشود . (1)

منهای معصوم حرکت کردن، انسان را گرفتار بی راهه های زیادی می کند و همراه آنان (2) حرکت کردن، یعنی گام زدن در صراط مستقیم و مطمئن:

«انتم الصراط الاقوم» . (3)

تا کنون احتیاج و اضطراب انسان در مسیر حرکت به سوی آرمانشهر نبوی، به دو عامل قانون الهی (وحي) و «تلقى معصومانه ی» آن از سوی پیامبران الهی و تفسیر و «فهم معصومانه» از آن در تفکر و نگاه شیعی بررسی شد .

## سوم - ظهور

اینک مسئله ی حیاتی و سرنوشت

ص: 11

---

1-12. انعام: 153: «و لا تتبعوا السبل فتفرق بكم عن سبيله» .

2-13. واللازم لكم لاحق .

3-14. زیارت جامعه ی کبیره .



ساز دیگری مطرح می شود. آیا در حرکت بی نهایت انسان و تحقق آرمانشهر موعود، این دو عامل، کافی است و با وجود قانون و فهم عاری از خطا، بشریت به سر منزل مقصود می رسد یا خیر؟ آیا برای تکمیل این فرآیند، حلقه ای مفقود است که باید آن را یافت؟ سؤال را به گونه دیگر طرح کنیم. اگر عناصر لازم برای هدایت بشری، طبق قواعد عقلی و کلامی، تهیه و تعبیه شده است، چرا بشریت و حتی مسلمانان و شیعیان، به آرمانشهر موعود و مدینه ی فاضله نرسیده اند؟ اگر عناصر لازم، ناکافی است، چه حلقه ای مفقود است؟ علت فقدان آن چیست؟ چه گونه محرومیت جامعه ی بشری از این فیض و شاهرگ حیاتی که بدون آن تمام برنامه ها بی نتیجه مانده است، توجیه و تحلیل می شود؟

کند و کاو و تفحص از حلقه ی مفقود که سعادت بشریت، رهین آن است، کارگشا است و تحلیل آن، تا بیابیم که این اضطرار چگونه در دورانی گرفتار فترت شده است، بسیار مهم به نظر می رسد.

در تفکر شیعی، حلقه ی مفقود - که بسیار حساس و حیاتی است - آن است که نه تنها انسان ها برای پیمودن مسیر خود محتاج به تلقی معصومانه از وحی و تفسیر صواب و برخاسته از عصمت آن است که در اجرای آن قانون و برداشت نیز محتاج به توان و «مدیریت معصوم» اند. این، همان خلای است که پس از رحلت پیامبر به وجود آمد. با وجود اعتراف به فضل و علم و فهم ممتاز علوی، با

بهانه های کودخانه، عرصه ی مدیریت جامعه را مستغنی و مستقل از توان معصوم معرفی نمودند و تاریخ، در عمر دراز خود، سرخوردگی انسانیت را از این محرومیت، به کرات مشاهده کرده است .

در این نگاه و با این تحلیل، تحقق جامعه ی آرمانی برای شهروند فضیلت مدار یا جامعه ی توسعه یافته، محتاج سه عامل است:

نخست، برنامه و قانون کامل و جامع که همه جانبه باشد و خیر و صلاح جامعه را در نظر گرفته باشد . این مهم، با خاتمیت و به دست پر برکت سید رسولان، حضرت محمد صلی الله علیه و آله، همو که فرمود: «اوتیت جوامع الکلم» (1)، که تبلور و ظهور آن را در جامعیت دین و شریعتش نظاره گر هستیم، حاصل شد .

دوم، فهم و برداشت صحیح از قانون . هر اندازه، قانون، بی نقص باشد، اگر مفسر آن، ناقص باشد، در اندام زیبایی آن، اعوجاج می اندازد . تاریخ، شاهد صدق گفتار ما است که گروه های مختلفی، از همین قانون کامل الهی، برداشت های ناصواب و خطرناکی داشته اند تا آن جا که فهم معصوم و مطلع و آگاه (علی علیه السلام) را بر آن داشت که بفرماید:

«کلمة حق یراد بها الباطل» .

خوارج و جریان تفکر اشعری گرای و تفکر اعتزالی و . . . از این نمونه اند .

این مهم نیز با جریان امامت معصوم که ملجا و مرجع علمی و ملاک صحت و سقم فهم ها است، در تفکر شیعه، تامین شد .

سوم، مدیریت و اجرای کامل این قانون است . این، نیز در گرو عصمت است؛

ص: 13

---

1-15. الشواهد الربوبية، ملاصدرا، اشراق دوازدهم، شاهد دوم از مشهد چهارم .

زیرا، انسان اسیر جهل و خواهش . . . از اجرای قانون عدالت الهی، عاجز است . او، که مطیع شهوت و قدرت و ثروت است در اجرای قانون شریعت، تعلل می وزد .

با تحقق این مهم، اصلاحات بشری و حرکت به سوی کمال، به سر منزل مقصود می رسد .

نکته ای که باید تحلیل و تبیین شود، این است که «چرا جامعه ی بشری، از این عامل محروم است؟» و «خدای که دو عامل و زمینه ی قبلی را فراهم کرده چرا زمینه ظهور و تحقق عامل سوم را فراهم نکرده است؟» و «اصولاً تکلیف انسان ها در دوران بیت حجت چیست؟» و «در تفسیر قانون و در اجرای آن، چه باید بکنند؟» آیا این نسل گرفتار ظلمت و مستحق لعنت اند که از مواهب بی بهره باشند یا راز و رمز مسئله را در جای دیگری باید جست؟

روشن شدن این نکته، مرهون این است که بدانیم، امام و حجت الهی، در یک منظر، دو رسالت خطیر بر عهده دارد: الف) تفسیر قانون؛ ب) اجرای قانون .

ائمه علیهم السلام برای تعلیم برداشت صواب و فهم صحیح از قانون، تلاش مستمر و ستودنی داشتند و سعی وافری کردند تا اصحاب خود را با شیوه ی فهم دین - اجتهاد - آشنا کنند .

علینا القاء الاصول و علیکم بالتفریح، از این نمونه است .

اوج این حرکت را در زمان عسکرین علیهما السلام با ارجاع مردم در وجوه شرعی و فتوا به وکلای خویش مشاهده می کنیم که شیوه ی فهم بشری از قانون الهی، را تعلیم و تصویب نموده اند

و اندازه‌ی لازم، برای حرکت در مسیر رشد را تامین کردند .

با تعلیم خود ائمه‌ علیهم‌السلام، حداقل لازم در عرصه‌ی فهم شریعت، تحت مقوله‌ی اجتهاد، حاصل شد و فقیهان، بار رسالت ائمه‌ علیهم‌السلام را در این حوزه - حوزه‌ی تفسیر دین - به دوش کشیدند .

بعد دیگر شئون امامت، اجرای قانون شریعت است که بالمآل به عدالت مطلق ختم می‌گردد . حکومت و مدیریت جامعه نیز، عرصه‌ی حضور معصوم برای راهنمایی و رشد انسان‌ها به سوی کمال است .

حلقه‌ی سوم، اضطرار بشری و نیاز به مدیریت معصوم است که قانون فرا انسانی را با فهمی عاری از خطا و توانی معصومانه، به اجرا بگذارد . این مهم، بر خلاف دو عامل گذشته، یک سویه و یک طرفه نیست، بلکه تحقق آن، وابسته‌ی یک نوع تعامل و خواست دو طرفی است، یا بهتر بگوئیم منوط به خواست مردم است .

حکومت بر مردم، فرع قبول آنان است و حرکت اصلاحی انبیا، از همان آغاز، برای این بوده که مردم، خود، به قسط قیام کنند «لیقوم الناس بالقسط» . تحقق حاکمیت معصوم، ظرفیت و قابلیت و بلوغی خاص می‌طلبد . انسان باید به جایی برسد که خیر خودش را که تن دادن به حاکمیت عدل است، تشخیص بدهد . تجربه‌ی حاکمیت معصوم، بدون بلوغ و کمال در فهم، با شکست و عدم توفیق ظاهری روبه‌رو می‌شود . رسیدن به این بلوغ فکری، زمینه و زمان می‌خواهد . انسان، با رشد و توسعه در علوم و تجربه‌ی انواع

حکومت‌ها و یاس عمومی از مدیریت غیر معصوم، می‌یابد که رشد و سعادت خویش، در گرو یاس از زمین و زمینیان و جستجوی حلقه‌ی سوم، یعنی مدیریت معصوم است. مدیریت دانش و ارزش نه مدیریت خواهش.

هر مدیریتی غیر از مدیریت ارزشی، اگر عنان جامعه را به دست بگیرد، و لو در نقاب موجه و عناوین فریبا، دوری از مسیر حرکت و رشد است. جامعه‌ی هبوط زده، شاید بتواند با مدیریت علمی، آن هم علم در مقابل دین، حیات خود را اداره کند، اما جامعه‌ی مدنی ایمانی، بر محوریت مدیریت ایمان و علم توأم با آن (مدیریت ارزش) راه رشد و صلاح خود را می‌یابد.

همین جا، به اشاره می‌گوییم، در عصر فقدان و حرمان از مدیریت معصوم، نیابت فقها از معصوم در حاکمیت، به حرکت و رشد جامعه‌ی انسانی به سوی کمال، کمک مؤثر و شایانی می‌کند. فقیهان، به نص معصوم علیه السلام، همچنان که در عرصه‌ی فهم شریعت، نمایان معصوم‌اند و مراجعه‌ی به آنان، ماجور است، در حوزه‌ی مدیریت و حاکمیت نیز جانشینان آن امام همام‌اند تا جامعه، با تجربه‌ی حکومت دینی، خود را برای تجربه‌ی حکومت معصوم، آماده کند.

تحقق حکومت معصوم، وامدار ایجاد مقتضی و رفع موانعی است که سد فهم و خواست انسان‌ها است، لذا در روایات، آمده است که در آستانه‌ی حکومت امام مهدی (عج) قتال با ائمه‌ی کفر و کسان‌ی که صد عن سبیل الله کنند، و به عنوان یک حرکت نمادین، قتل

شیطان، تحقق می یابد .

در طرف تامین ایجاد مقتضی، تکمیل عقول عباد، آموزش و تعلیم عمومی، رشد علم و . . . مطرح می شود . با ایجاد مقتضی و رفع موانع، زمینه ی تحقق حکومت عدل جهانی، با مدیریت معصوم، به سرانجام می رسد . و با تحقق حلقه ی سوم، مدیریت معصوم علیه السلام، آرمانشهر موعود همه ادیان و ملت ها بدست ابر مرد موعود جهان بشری «مهدی الامم» تحقق می یابد .

به امید آن روز

ص: 17

بسمه تعالی

هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ

آیا کسانی که می دانند و کسانی که نمی دانند یکسانند؟

سوره زمر / 9

آدرس دفتر مرکزی:

اصفهان - خیابان عبدالرزاق - بازارچه حاج محمد جعفر آباده ای - کوچه شهید محمد حسن توکلی - پلاک 129/34 - طبقه اول

وب سایت: [www.ghbook.ir](http://www.ghbook.ir)

ایمیل: [Info@ghbook.ir](mailto:Info@ghbook.ir)

تلفن دفتر مرکزی: 03134490125

دفتر تهران: 021 - 88318722

بازرگانی و فروش: 09132000109

امور کاربران: 09132000109



مرکز تحقیقات رایانگی

اصفهان

# گامی

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی  
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

**[www.Ghaemiyeh.com](http://www.Ghaemiyeh.com)**

[www.Ghaemiyeh.net](http://www.Ghaemiyeh.net)

[www.Ghaemiyeh.org](http://www.Ghaemiyeh.org)

[www.Ghaemiyeh.ir](http://www.Ghaemiyeh.ir)

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

